

ردیشناسی
ترقیب سازمانی اصلی
در زبان گپیلکے

مسعود پور هادی

رەدەشنىسى ترتىب سازەھەن اھلى درزيان گىلکى

مسعود پورهادى





- سرشناسنامه: پورهادی، مسعود - ۱۳۳۲

عنوان و پدیدآور: رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی/مسعود پورهادی.
(به سفارش حوزه هنری گیلان)

مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌الیا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۹ ص.

شابک: ۴ - ۵۶۸ - ۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

موضوع: گیلکی - - دستور

رده‌بندی کنگره: ۹۲۵ ۱۳۹۶ ب ۹۲ گ PIR ۳۳۶۸ /

رده‌بندی دیوی: خ ۹ فا ۴

شماره کتابخانه ملی: ۴۹۸۹۴۹۵

• رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی

• مسعود پورهادی

• چاپ نخست: ۱۳۹۶ • شمارگان: هزار نسخه • شماره نشر: ۶۵۸

• صفحه‌آرایی: وحید باقری • نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌الیا

• طرح جلد: افسانه یزدانی

• همهی حقوق این کتاب محفوظ است.

• شابک: ۴ - ۵۶۸ - ۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

• نشر فرهنگ‌الیا؛ رشت، خ ازادگان، جنب دیبرستان بهشتی، خ صفائی، خ حاتم، شماره ۴۹

• تلفن: ۰۳۳۳۲۴۷۷۲ - ۰۳۳۳۲۴۷۷۲ • دورنگار: ۰۳ - ۳۳۳۲۱۸۲۸

فهرست

یادداشت حوزه هنری گیلان.....	۷
نشانه‌های آوانگاری.....	۸
رده‌شناس ترتیب سازه‌های اصلی	۱۳
زبان گیلکی.....	۲۷
رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان گیلکی	۳۳
تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های بیست و چهارگانه در زبان گیلکی	۴۳
حال در جریان - نمود ناقص	۷۰
نمود کامل	۷۸
ماده سببی (وادری)	۱۱۱
توصیف وضعیت رده‌شناختی زبان گیلکی براساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها	۱۲۲
نتیجه‌گیری	۱۲۴
پیوست‌ها	۱۴۸
منابع	۱۵۳

یادداشت حوزه هنری گیلان

زبان‌های هر منطقه به طور بالقوه، پتانسیل گسترده کردن زبان معیار را در خود دارند و با توجه به دایره‌ی واژگانی متفاوت از زبان معیار، گاه می‌توانند منبع تغذیه‌ای برای آن محسوب شوند؛ بهویژه که امروز، توجه به خردمندانه‌گران در آثار ادبی و هنری اقبال عامتری یافته است.

گویش‌های بومی که بسیاری از سنت‌ها و عرف و عادات معقول منطقه‌ای از طریق آن محفوظ می‌ماند، به طریق اولی، باید حفظ و نگهداری شوند. بنابراین حفظ گویش‌های بومی، ضمن در نظر گرفتن تنوع زبانی جامعه، اولاً باعث تداوم آینه‌ها، سنت‌ها و رسوم معقول و صحیح بومی- منطقه‌ای خواهد شد و ثانیاً منبع عظیمی از واژگان، اصطلاحات، تعبیر و ضربالمثل‌ها و ... را که به طور بالقوه، برای بقای زبان معیار ضروری است، محفوظ خواهد داشت.

موضوع رده‌شناسی که شاخه‌ای از زبان‌شناسی است، به مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن پیشینه و مقایسه تاریخی آن‌ها می‌پردازد تا براساس آن مبنایی برای طبقه‌بندی یا رده‌بندی زبان‌ها ارائه کند. پژوهش حاضر عمدتاً متکی بر داده‌هایی است که از گیلکی غربی اخذ شده‌اند؛ در وهله‌ی نخست نتایج حاصله از آن در رابطه با گونه‌های گیلکی رایج در غرب گیلان صادق است ولی می‌توان این دستاوردها را با اندکی جرح و تعديل به گونه‌های دیگر زبان گیلکی، گالشی مناطق کوهستانی و گویش‌های جلگه‌ای شرق گیلان بسط داد.

حوزه هنری گیلان ضمن سپاس از پژوهشگر گرانقدر، آقای مسعود پورهادی و نیز تلاش‌های ناشر محترم، برای ارج نهادن به کوشش محققان زبان بومی این منطقه و پاسداشت زبان گیلکی، این اثر را تقدیم علاقه‌مندان می‌کند.

نشانه‌های آوانگاری

معنای فارسی	مثال گیلکی	آوای فارسی	واج
کوتاه قد	pâč	پ	p
حرامزاده	bij	ب	b
گونه، چهره	dim	د	d
تیز	tij	ت	t
آغوش	kəšə	ک	k
پای ناراست	gâč	گ	g
وسمه	qâš	ق، غ	q
آشیانه	fək	ف	f
علف	vâš	و	v
بی‌نمک	səs	س، ص، ث	s
سوت	šub	ش	š
گزنده	zərx	ز، ذ، ظ، ض	z
فریاد	šivir	ژ	ž
استخوان	xâš	خ	x
بیهوده	hačin	هـ. ح	h
از رونق افتاده	čuor	چ	č
الکن	jud	ج	j
غلیظ	mât	م	m

مردمک چشم	ninâki	ن	n
تو خالی	lâr	ل	l
حلزون	râb	ر	r
رنگین کمان	yâlmênd	ى	y
گرسنه	âj	ا، آ	â
اشک	arzu	ه، آ، ئ	a
ریزریز کردن	erjen	ه، آ، ئ	e
کمی، مقداری	ipče	ای، ي، ى	i
آن سو	urâ	او، و	u
آویختن	orgâdən	او، اوُ، و	o
رشت	rəšt	مايین و a	ə
رونق	bûd	او، و	ü
گربه	pîčâ	ای، ي، يى	ı
بچه	zây	آى	ây
کجا	koy	اوي، اى، وي	oy
پسر بچه	rey	إى، ي	ey
	uydânə	اوي، وي	uy

نشانه‌های اختصاری

نشانه	مفهوم
ϕ	نشانه تهی
v	واکه (صوت)
c	همخوان (صامت)
()	انتخاب آزاد، معنی و توضیح
←	تبدیل می‌شود
*	صورت فرضی یا نادرست
/	یا
,	تکیه
نک ←	نگاه کنید
//	نشانه آوانویسی و صدای میانجی
:	نشانه کشیدگی -
ö، ë، ü، ā	- خط تیره بالای حرف لاتین

نشانه‌های دیگر

نشانه	معنی	نشانه	معنی	نشانه
۱ ش م	اول شخص مفرد	۱ ش ج	اول شخص جمع	
۲ ش م	دوم شخص مفرد	۲ ش ج	دوم شخص جمع	
۳ ش م	سوم شخص مفرد	۳ ش ج	سوم شخص جمع	

مشخصات آوازی

مشخصات آوازی	(جایگاه تولید)	واجگاه	واج
انفجاری - انسدادی	دولبی	بی واک	p
انفجاری - انسدادی	دولبی	واکدار	b
انفجاری - انسدادی	لثوی - دندانی	واکدار	d
انفجاری - انسدادی	لثوی - دندانی	بی واک	t
انفجاری - انسدادی	نرمکامی	بی واک	k
انفجاری - انسدادی	نرمکامی	واکدار	g
انفجاری - انسدادی	ملازی - نرمکامی	بی واک	q
ساپشی	لبی - دندانی	بی واک	f
ساپشی	لبی - دندانی	واکدار	v
ساپشی	لثوی - دندانی	بی واک	s
ساپشی	لثوی - کامی	بی واک	š
ساپشی	لثوی - دندانی	واکدار	z
ساپشی	لثوی - کامی	واکدار	ž
ساپشی	ملازی - پس نرمکامی	بی واک	x
ساپشی	چاکنایی	بی واک	h
انفجاری - ساپشی	لثوی - کامی	بی واک	č
انفجاری - ساپشی	لثوی - کامی	واکدار	j
خیشومی (غنه‌ای)	دولبی	واکدار	m
خیشومی	لثوی - دندانی	واکدار	n
روان - کناری	لثوی	واکدار	l

غلتان- لرزشی	لشوی	واکدار	r
روان «نیم واکه»	کامی	واکدار	y
بالا- گسترده (غیرگرد)	پسین، باز		â
پایینی - گسترده (غیرگرد)	پیشین، باز		a
میانی - گسترده (غیرگرد)	پیشین، نیم بسته		e
بالا- افراشته (غیرگرد)	پیشین، بسته		i
مرکزی - خشتمی، نیم باز	میانی - کوتاه		ə
بالا- گرد	پسین ، بسته		u
میانی - گرد	پسین ، نیم بسته		o
بالا- گرد	پیشین، بسته		ü
کشیده- گرد	پیشین، بسته		ı

رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی

مطالعه و مقایسه آرایش کلمات اصلی زبان‌ها در سطح جملات ساده (توالی فاعل، مفعول، فعل) و ارتباط آن با توالی سازه‌های گروه اسمی (الف: ترتیب صفت و اسم. ب: ترتیب هسته اسمی و بند موصولی در ساخت بند موصولی. ج: ترتیب مضافق‌الیه و هسته اسمی / مضاف)، ترتیب حرف اضافه (این که حرف اضافه پیش و یا پس از اسم می‌آید)، ترتیب صفت تفضیلی و مبنای مقایسه، ترتیب سازه‌های گروه قیدی، آرایش ساخت مالک – ملک و ترتیب قرارگیری افعال کمکی در کنار فعل اصلی و... براساس شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و خصوصیات دستوری در محدوده علم زبان‌شناسی، تحت عنوان «رده‌شناسی» (linguistic typology) شناخته شده است.

اصطلاح «رده‌شناسی» نخستین بار، در حوزه زبان‌شناسی در اوایل قرن بیستم به کار رفت، اما سابقه‌ی مطالعه در مقایسه بین زبانی به قرن هفدهم میلادی بر می‌گردد. نخستین دسته‌بندی رده‌شناسی با پرداختن به روابط خویشاوندی زبان‌های موسوم به «هندو اروپایی» زمینه‌ساز نوعی رده‌شناسی آغازین شد که به رده‌شناسی ساخت‌واژی شهرت یافت.

رده‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف بدون در نظر گرفتن پیشینه و مقایسه تاریخی آن‌ها می‌پردازد تا براساس آن مبنایی برای طبقه‌بندی یا رده‌بندی زبان‌ها ارائه کند. به عبارت دیگر رده‌شناسی، بررسی گوناگونی‌هایی است که در زبان‌های مختلف دنیا به چشم می‌خورد.

۱۴ / رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی

مقولات رده‌شناختی لزوماً به ارتباطِ تباری زبان‌ها وابسته نیستند و ممکن است زبان‌هایی را که به خانواده زبانی متفاوتی تعلق دارند در یک طبقه قرار دهند (گفتم: ۱۳۷۹).

زبان‌شناسان با بررسی‌های گسترده و دقیق زبان‌های گوناگون، تصاویر جالبی از شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان‌ها به دست داده‌اند و مدعی وجود نوعی همبستگی میان سازه‌های مختلف در هر زبان و نوعی هماهنگی در بین زبان‌های دنیا هستند، به عبارت دیگر، آرایش سازه‌های جملات در هر زبانی، اتفاقی منحصر به فرد نیست، بلکه در ارتباط بینازبانی با زبان‌های دیگر دنیا قرار دارد و به «جهانی‌های زبان» (linguistic universals) مشهور هستند. «جهانی‌ها مشخص‌کننده هر آن چیزی هستند که در زبان ممکن و یا غیرممکن است» (همانجا).

برخی از جهانی‌ها استثناء‌پذیر نیستند و در همه زبان‌ها جاری هستند و برخی هم با اینکه در بسیاری از زبان‌ها مطرح هستند، از سوی تعدادی از زبان‌ها نادیده گرفته می‌شوند. آن‌هایی که استثناء ندارند، در واقع شرطی مطلق برای زبان تلقی می‌شوند، ولی جهانی‌های دیگر نتیجه‌ی یک گرایش زبانی هستند. جهانی‌های نوع اول مطلق و جهانی‌های نوع دوم نسبی هستند» (همان).

کشف جهانی‌های زبانی و طبقه‌بندی زبان‌ها به رده‌های مختلف، بحث اصلی «رده‌شناسی» است. یکی از پارامترهای اصلی در بررسی زبان‌های جهان، بررسی ترتیب فعل (v)، فاعل (S) و مفعول (O) در ساختار جملات ساده‌ی زبان‌های دنیاست که بر مبنای تحقیقات جوزف گرینبرگ (J.Greenberg) زبان‌شناس آمریکایی از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی به زبان‌شناسان معرفی شد و باب نوینی در پژوهش‌های رده‌شناسی گشود.

گرینبرگ، در مقام بر جسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم در بررسی‌های خود بر مبنای سه عامل: الف) جایگاه حرف اضافه نسبت به اسم؛ ب) ترتیب احتمالی

فاعل - فعل - مفعول در ساختار بند و جمله؛ ج) جایگاه صفت در گروه اسمی، ۴۵ همگانی جهانی را تحت عنوان «جهانی‌های تلویحی (استلزمامی) و غیرتلویحی» ارائه کرد که از ۳۰ زبان استخراج شده بودند.

از نظر وی، جهانی‌های تلویحی آن‌هایی هستند که به صورت استلزمام شرطی بیان می‌شوند و بدین معنایند که اگر عنصر x در زبانی یافت شود، آنگاه عنصر y قطعاً در آن زبان وجود دارد. مانند همگانی ۲۵: «اگر در زبانی مفعول ضمیری پس از فعل قرار گیرد، مفعول اسمی هم پس از فعل واقع می‌شود.» و یا همگانی ۵: «اگر زبانی ترتیب غالب فعل - مفعول فعل داشته باشد و مضاف‌الیه را پس از مضاف قرار دهد، آن‌گاه صفت هم پس از موصوف قرار خواهد گرفت.»

اما از نظر وی جهانی‌های غیرتلویحی را می‌توان بدون شرط ارائه کرد. مانند همگانی ۴: «زبان‌های دارای ترتیب واژه‌ای فاعل - مفعول - فعل با بسامدی پیش از حد تصادف، پس اضافه‌ای هستند.» و یا همگانی ۱۴: «در جملات شرطی، در همه‌ی زبان‌ها در ترتیب معمول، بندِ شرطی قبل از نتیجه می‌آید.»

جهانی‌های غیرتلویحی بر یک ویژگی رده‌شناسخی اشاره دارند که می‌توانند به طور عام برای همه‌ی زبان‌ها صادق باشند و یا در صدِ قابل ملاحظه‌ای از زبان‌ها را دربر گیرد. مانند: «همه‌ی زبان‌ها شیوه‌ای برای جمله‌ی مثبت به منفی دارند.» جهانی فوق در مورد همه‌ی زبان‌ها صادق است، بنابراین علاوه‌بر غیرتلویحی بودن، مطلق هم هست.

اما گاهی جهانی‌ها تنها از فراوانی و گرایش عمومی زبان‌ها حکایت می‌کند و نسبی تلقی می‌شود. مانند: «اغلب زبان‌ها در ترتیب سازه‌های اصلی جمله از ترتیب فاعل - مفعول - فعل و یا فعل - فعل - مفعول برخوردارند.» براین اساس می‌توان همگانی‌ها را علاوه‌بر تلویحی و غیرتلویحی، به مطلق و نسبی هم دسته‌بندی کرد.

۱۶/ رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی

اغلب همگانی‌هایی که گرینبرگ در مطالعات خود به تبیین آن‌ها پرداخت از نوع تلویحی‌اند، از این‌رو، گاه همگانی‌های تلویحی «همگانی‌های گرینبرگی» هم خوانده شده است. از آنجا که این همگانی‌ها براساس داده‌های تعداد قابل ملاحظه‌ای از زبان‌های جهان پیشنهاد می‌شوند، تعبیر «همگانی‌های آماری» هم به آنها اطلاق شده است. از میان همگانی‌هایی که گرینبرگ به دست داده است ۲۸ مورد آنها مرتبط با «ترتیب واژه» یا به بیانی آشناتر «توالی ارکان اصلی جمله» بود و ۱۷ همگانی دیگر به مقوله‌های تصریفی (همچون زمان، وجه، شخص، شمار، جنس) مربوط بود (نک دیبر مقدم ۱۳۹۲: ص. ۲۳).

گرینبرگ (۹۶-۷: ۱۹۶۶) با تأکید ویژه‌بر «توالی عناصر معنی دار» در همگانی‌ها نشان می‌دهد که بین ترتیب سازه‌های اصلی، یعنی ترتیب فاعل- مفعول و فعل و سایر ویژگی‌های دستوری زبان (مثلاً ترتیب قرار گرفتن صفت و موصوف و یا مضاف- مضاف‌الیه) نوعی همبستگی وجود دارد. وی همبستگی میان مولفه‌های زبان را با کمک دو اصل «غلبه» و «هماهنگی» تبیین می‌کند و در توضیح «غلبه‌ی یک توالی خاص بر گروه دیگر و رابطه‌ی هماهنگ و ناماهنگ» میان اجزای مولفه‌های مختلف می‌گوید:

«همواره وجود یک ویژگی، بدون اعمال محدودیت و بدون وابستگی به ویژگی دیگری در زبان وجود دارد، بنابراین گرینبه‌ی غالب محسوب می‌شود.»
مانند همگانی ۴۵:

«اگر ضمیر جمع از نظر جنس دستوری دارای تمایز باشد، ضمیر مفرد هم تمایز جنس دستوری خواهد داشت.» در این صورت ضمیر جمع فاقد تمایز جنس، دارای رابطه‌ی «غلبه» است؛ زیرا خواه ضمیر مفرد دارای تمایز جنس باشد، خواه نباشد، ضمیر جمع فاقد تمایز جنس همواره وجود دارد، بنابراین حضور آن بر حضور ضمیر جمع دارای تمایز جنس «غالب» است و محدودیتی برای حضور

آن اعمال نمی‌شود. این در حالی است که ضمیر جمع دارای تمایز جنس، که ساخت مغلوب محسوب می‌شود تنها زمانی امکان وقوع دارد که ضمیر مفرد، دارای تمایز جنس باشد. وی در رابطه با «ساخت مغلوب» می‌گوید:

«همواره می‌توان رابطه‌ی غالب را انتظار داشت. اما رابطه‌ی مغلوب تنها زمانی رخ می‌دهد که ساختنی «هماهنگ» با آن وجود داشته باشد.»

به اعتقاد او زمانی که ساختنی هماهنگ با ساخت مغلوب وجود داشته باشد، آن ساخت مغلوب هم، امکان حضور می‌یابد، پس در ساخت مغلوب نوعی رابطه‌ی هماهنگ وجود دارد. این هماهنگی از طریق وجود مشخصه‌ی مشترک تمایز جنس در همگانی ۴۵ برای هر دو ضمیر مفرد و جمع ایجاد می‌شود، با وجودی که ضمیر جمع دارای تمایز جنس، ساخت مغلوب تلقی می‌شود، اما از این نظر که در دارا بودن ویژگی جنس، با ضمیر مفرد دارای تمایز جنس، مشترک است، با آن هماهنگ شده و این هماهنگی موجب مشاهده‌ی صورت مغلوب در زبان‌ها می‌شود. اما اگر در زبانی، ضمیر جمع، دارای تمایز جنس باشد و ضمیر مفرد فاقد تمایز جنس، رده ناممکن است؛ زیرا این ساخت نه بیانگر ساخت غالب است، و نه دو ساخت با هم هماهنگ هستند.

«هماهنگی» الگویی است که گرینبرگ در جهانی‌های زبان کشف کرد. درجهانی‌های تلویحی، ساخت‌های اسم + حرف تعریف > اسم + صفت و حرف تعریف + اسم > صفت و اسم هماهنگ هستند، به عبارت دیگر در مورد اول، ابتدا هسته و بعد وابسته می‌آید و در مورد دوم اول وابسته بعد هسته می‌آید که در هر دو مورد «هماهنگی» وجود دارد (نک ← والی، بهرامی. ۱۳۹۴، ص ۵۹-۶۱ و دبیر مقدم. ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۱).

اهمیت ترتیب سازه‌ها در رده‌شناسی گرینبرگی موجب شد تا رده‌شناسانی مانند: لمان Lemann (۱۹۷۳)، ونمان Venemann (۱۹۷۴)، هاکینز Hawkins

۱۸ / رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی

(Dryer ۱۹۹۲-۲۰۱۳)، درایر ۱۹۹۴) کامری و ردفورد و دیگران به مطالعه‌ی بیشتر در مورد ترتیب سازه‌ها و جهانی‌های مربوط به آن پردازند. مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارتند از اصل چیش (لمان)، نظریه‌ی عملگر-عمل پذیر (ونمان)، اصول سنگینی، تحرک و هماهنگی بین مقوله‌ای (هاکینز)، نظریه‌ی سوی انشعاب (درایر) و چند نظریه‌ی دیگر (برای آگاهی بیشتر نگاه شود به دیر مقدم. ۱۳۹۲، ج ۱).

پس از مقاله‌ی گرینبرگ، کتاب هاکینز (۱۹۸۳) نخستین دستاوردهای مطالعات رده‌شناختی مربوط به ترتیب واژه‌های است. در این کتاب، هاکینز داده‌های مرتبط با مبحث ترتیب واژه‌ها را در ۳۰۰ زبان بررسی کرده است.

هاکینز در مقابل همگانی‌های دو مؤلفه‌ای گرینبرگی، همگانی‌های چند مؤلفه‌ای را پیشنهاد کرد و در ارتباط با انگیزه‌های رقابت‌کننده، دو اصل «سنگینی» و «تحرک» را پیشنهاد کرد. اصل سنگینی‌هاکینز ترتیب غالب را تبیین می‌کند «اگر زبانی اسم را قبل از اشاره قرار دهد، آن‌گاه اسم را نیز قبل از بندهای موصولی قرار می‌دهد». پس در این صورت: اشاره-اسم و اسم-بند موصولی غلبه دارند. در ترتیب اشاره-اسم، وابسته‌ی سبک قبل از هسته قرار می‌گیرد، اما در ترتیب اسم-بند موصولی، وابسته‌ی سنگین پس از اسم ظاهر می‌شود.

سنگینی به تعداد هجاهای، واژه‌ها و سازه‌های نحوی یک واحد دستوری اشاره دارد. در انگیزه سنگینی وابسته‌های سنگین‌تر گرایش دارند پس از هسته واقع شوند و وابسته‌های سبک‌تر پیش از هسته. آوردن سازه‌های سنگین‌تر در آخر جمله باعث ساده‌تر شدن تولید جمله می‌شود.

تبیین دیگر هاکینز مفهوم «تحرک» است. تحرک تبیین کننده اشتاء‌هایی است که به مفاهیم هماهنگی گرینبرگ و سنگینی وی وارد می‌شود. مفهوم تحرک حاکی از آن است که در بعضی زبان‌ها، ترتیب رخداد برخی از وابسته‌ها نسبت به هسته‌های خود متغیرتر و بی‌ثبات‌تر از ترتیب رخدادهای وابسته‌ی دیگر آن هسته

است و از این رو احتمال اینکه این وابسته‌ها حرکت کنند و در نتیجه ترتیب «هماهنگ» را به ترتیبی «ناهماهنگ» تبدیل کنند بسیار است.

اصل «تحرک» برخلاف اصل «سنگینی»، اصلی است که جنبه‌ی درزمانی دارد. به بیان دیگر، اصل تحرک با توصل به تحولات تاریخی، وضعیت هم‌زمانی یک زیان یا زیان‌ها را تبیین می‌کند (هاکینز، ۱۹۸۳، ۹۴-۹۲ به نقل از دیرمقدم، ۱۳۹۲، ۳۳).

هاکینز در اثر دیگری (۱۹۹۸، ص. ۷۶۱. دیرمقدم ۱۳۹۲) از «اصل تأخیر گره‌های وابسته» سخن می‌گوید. وی این اصل را که شیوه‌ی پردازش گره‌های وابسته به لحاظ نحوی یا معنایی را تعیین می‌کند، متعلق به «نظریه‌ی کنش زبان» می‌داند. در این اصل هرگاه گره α به لحاظ معنایی و یا نحوی وابسته به گره β باشد، ذهن انسان ترجیح می‌دهد که β را پیش از α دریافت و پردازش کند. این حالت در ۹۶ درصد از زبان‌های دنیا براساس دسته‌بندی سه‌گانه گرینبرگ جای می‌گیرد.

گرینبرگ زبان‌های دنیا را براساس ترتیب فاعل، مفعول و فعل به سه رده تقسیم کرد:

sov (فاعل، مفعول، فعل)، vso (فعل، فاعل، مفعول)، vos (فاعل، فعل، مفعول).

در هر سه رده فارغ از جای فعل، فاعل همواره قبل از مفعول ظاهر می‌شود. بعداً رده‌شناسان سه رده‌ی ممکن دیگر را به سه‌گانه‌ی گرینبرگ اضافه کردند: vos (فعل، مفعول، فاعل)، ovs (مفعول، فعل، فاعل)، osv (مفعول، فاعل، فعل).

اما تعداد زبان‌هایی که از این سه آرایش به ویژه آرایش ovs (مفعول، فعل، فاعل) استفاده می‌کنند، بسیار محدود است (گفام: ۱۳۷۹). این زبان‌ها فقط ۴/۲ درصد زیان‌ها در نمونه‌گیری‌های معتبر را در بر می‌گیرند (دیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۴).

براساس آمار درایر و هاسپلیمت (۲۰۱۳)، از جمع ۱۳۷ زبان در دنیا؛ ۵۶۵ زبان دارای ساختار sov ۴۸۸ زبان vso ۹۵ زبان هستند و سه رده‌ی نادر دیگر

۲/ رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی در زبان گیلکی

یعنی رده‌ی vos- ۲۵ زبان، رده‌ی ovs- ۱۱ زبان، رده‌ی osv- ۴ زبان را در بر می‌گیرند و ۱۸۹ زبان دارای ترتیب آزاد هستند:

جدول ۱- درایر و هاسپلتمت ۲۰۱۳

SOV	SVO	VSO	VOS	OVS	OSV	ترتیب آزاد ^۱	جمع
۵۶۵	۴۸۱	۹۵	۲۵	۱۱	۴	۱۸۹	۱۳۷۷

در برخی از مطالعات رده‌شناسختی، توزیع و جایگاه فاعل در رابطه با دو سازه‌ی دیگر از اهمیت نظری و تجربی کمتری برخوردار است، در رده‌بندی این زبان‌شناسان، از جمله «لمان» و «ونمان»، پارامترهای ترتیب فعل و مفعول از اهمیت اساسی‌تری برخوردار است.

«لمان» اصلی را به عنوان «اصل پایه‌ای مکان» مطرح کرد و در این اصل بیان می‌کند که ساختار نحوی از فعل و مفعول تشکیل می‌شود و فاعل جزء ساختار اولیه نیست، همان‌گونه که در زبان‌های ضمیرانداز حائز اهمیت نیست. «لمان»، رده‌ی ترتیب کلمات گرینبرگ را به ov و vo (یعنی مفعول- فعل و فعل- مفعول) کاهش داد. با این کار با فرض دانستن ترتیب ov بودن یک زبان، قادر به این پیش‌بینی هستیم که در این زبان عناصر اسمی، صفات، اضافه و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم، و برای vo در طرف راست اسم قرار می‌گیرد. تعدادی از زبان‌های دنیا از این الگو پیروی نمی‌کنند و لمان در تبیین آن‌ها، این‌گونه بیان می‌کند که آنها در زیرساخت صورت را تغییر داده‌اند. و نمان نیز همانند لمان ترتیب کلمات را به دو شق ov و vo تقلیل داد. در حقیقت وی ترتیب واژه گرینبرگی را به زبان‌های وابسته- هسته در مقابل هسته- وابسته تقسیم کرد. در نظریه هسته- وابسته، هسته‌ها هم الگو با فعل و وابسته‌ها هم الگو با مفعول هستند.

کامری (۹۶، ۹۹: ۱۰۰، ۹۹: ۱۹۸۹) تردید خود را نسبت به صورت تقسیم‌بندی دوگانه بیان می‌کند و می‌گوید که اگرچه ادغام دو ترتیب فعل- فاعل- مفعول و فعل- مفعول- فاعل در یک رده، یعنی رده‌ی فعل- مفعول (v0) که با حذف فاعل ممکن می‌شود و به علت سازگاری ویژگی‌های رده‌شناختی دیگر آن دو توجیه‌پذیر است، اما گنجاندن زبان‌های با ترتیب فعل- فعل- مفعول در همان رده، که آن هم با حذف فاعل میسر می‌شود، مورد تردید است؛ زیرا ویژگی‌های رده‌شناختی این زبان‌ها با دو گروه نخست همسان و همانند نیست. ترتیب فعل- مفعول آن است که الف) پیش اضافه دارد، ب) در آن مضافق‌الیه پس از مضاف واقع می‌شود، ج) موصوف قبل از صفت ظاهر می‌شود. بر همین اساس زبان دارای ترتیب مفعول- فعل آن است که: الف) دارای پس اضافه است، ب) در آن مضافق‌الیه پیش از مضاف واقع می‌شود، ج) صفت پیش از موصوف ظاهر می‌شود. برای پیشگیری از ابهام و سردرگمی در به کار بردن این اصطلاحات، ونمأن (۱۹۷۲) از «عمل» و «عملگر» که در واقع همان تعبیرآشنای هسته- وابسته است، استفاده می‌کند. در این تعبیر عمل می‌تواند فعل، اسم، مضاف، فعل کمکی باشد و «عملگر» می‌تواند مفعول، صفت، مضافق‌الیه، بند موصولی، عدد، قید، فعل اصلی باشد. در میان تبیین‌های گوناگون که برای همبستگی‌ها بیان شده است، ردفورد (۱۹۹۷) زبان‌ها را به صورت «هسته آغازین» و «هسته پایانی» تقسیم می‌کند. در زبان‌های هسته آغازین تمام وابسته‌ها پس از هسته قرار می‌گیرند اما در زبان‌های هسته پایانی، جایگاه تمام وابسته‌ها تقدم دارند.

در این در ارتباط با زبان‌های هسته آغازین و هسته پایانی به طرح ویژگی‌های متفاوتی می‌پردازد. از نظر وی در زبان‌های هسته آغازین اسم در ابتدای گروه اسمی قرار می‌گیرد، حرف اضافه به صورت پیش اضافه است، جایگاه واژه‌ها و عبارت‌های توصیفی پس از اسم توصیف شونده است و فعل هم پیش از مفعول